

لَقَدْ آتَانِ الْبَشِيرَ بَهْلَكَةً أَهْلِي نَجْرَانٍ حَتَّى الْكَثِيرِ عَلَى الشَّجَرِ لَوْ تَمَثَّلُوا عَلَى الْمُلَاعِنَةِ... وَالَّذِي يَعْثُرُنِي بِالْحَقِّ لَوْ فَعَلَا لَأَمْطُرَ الْوَادِي عُلْمُهُمَا نَارًا.

بشارت‌دهنده‌ای نزد من آمد و اعلام کرد: اگر نجرانیان به ملاعنه مبادرت می‌کردند، همه آنان حتی پرندهگان روی درختان نابود می‌شدند. سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری مبعوث کرد! اگر این کار را انجام می‌دادند، این سرزمین بر آن دو آتش می‌بارید.

الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ ۲/ ۶۹



#### • چیستی مفهوم مباهله

مباهله در اصل از ماده پهل (بر وزن سهل) به‌معنی رها کردن است و حتی در تعبیرات فارسی خود نیز، این جمله را به کار می‌بریم که فلان شخص را پهل کرده‌اند؛ یعنی به حال خود رها نموده‌اند و در تفسیرهای مذهبی، مباهله به‌معنی آن است که دو گروه بر سر یک امر مذهبی در برابر هم قرار گیرند و هر کدام درباره دیگری نفرین کنند؛ نفرین هر کدام مؤثر واقع شد، دلیل حقانیت اوست؛ لذا هرگاه دو نفر بعد از بحث‌های منطقی و استدلال‌های عقلی و برهان‌های روشن، نتوانستند یکدیگر را قانع کنند، در اینجا هر کدام در حق دیگری نفرین می‌کند و چنین می‌گوید: «اگر من بر حق هستم و تو خلاف می‌گویی، به مجازات الهی گرفتار شوی» و دیگری هم همین را تکرار می‌کند و به درگاه خدا تضرع می‌کند و از او می‌خواهد که دروغگو را رسوا سازد و مجازات کند؛ همان‌کاری که پیامبر اسلام ﷺ در برابر مسیحیان نجران کرد.<sup>۱</sup> به چنین کاری با حصول شرائطش «مباهله» می‌گویند.<sup>۲</sup>

ارتباط معنای لغوی و اصطلاحی «مباهله» با یکدیگر روشن است؛ زیرا در مباهله شخصی که مدّعی است، حق می‌گوید، طرف دیگر را رها می‌کند و امر او را به خداوند محوّل و واگذار می‌نماید.<sup>۳</sup>

#### • اهمّیت واقعه مباهله

**حقانیت پیامبر اسلام ﷺ در دعوی رسالت**

نخستین چیزی که در آیه معروف مباهله<sup>۴</sup> مشاهده می‌شود، این است که مسأله مباهله را می‌توان به‌عنوان نشانه روشنی بر حقانیت و صدق پیامبر اسلام ﷺ در مسأله دعوی رسالت مطرح کرد؛ زیرا ممکن نیست کسی به ارتباط خود با پروردگار ایمان قطعی نداشته باشد و وارد چنین میدانی گردد؛ یعنی از مخالفان خود دعوت کند که بیایند و با هم به درگاه خدا برویم و از خدا بخواهیم، دروغگو را رسوا سازد؛<sup>۵</sup> و من قول می‌دهم که نفرین من در حق مخالفان عملی خواهد شد و نتیجه آن را خواهید دید!<sup>۶</sup> به‌طور مسلم ورود در چنین میدانی بسیار خطرناک است؛ زیرا اگر نفرین به اجابت نرسد و اثری از مجازات مخالفان ظاهر نشود؛ نتیجه جز رسوایی دعوت‌کننده نخواهد داشت و هیچ انسان عاقلی بدون اطمینان به نتیجه، قدم در این میدان نمی‌گذارد.<sup>۷</sup> به‌همین دلیل در روایات اسلامی می‌خوانیم: هنگامی که پای مباهله به میان آمد، مسیحیان نجران از پیامبر ﷺ مهلت خواستند تا در این‌باره بیندیشند و هنگامی که دیدند، پیامبر اسلام ﷺ تنها کسانی را با خود برای مباهله آورده که دعای آنها می‌تواند مستجاب باشد و خالی از هرگونه جار و جنجال و تشریفات به صحنه مباهله وارد شده، آن را دلیل دیگری بر صدق دعوت او دانستند و از مباهله سر باز زدند که مبادا گرفتار عذاب الهی شوند. آنها هنگامی که دیدن پیامبر ﷺ با افراى محدودی از خاضّان نزدیک خود و فرزندان خردسال و دخترش حضرت فاطمه زهرا ؑ به معیادگاه آمده است، سخت به وحشت افتادند و حاضر به مصالحه شدند.<sup>۸</sup>

#### • تأملی قرآنی در واقعه مباهله

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ؛ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ؛<sup>۹</sup> هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجّه و ستیز بر خیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نمائیم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آنگاه مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگويان قرار دهیم.

#### • مباهله؛ نفی الوهیت مسیح

آیه(۹۱سوره آل عمران) به ضمیمه آیاتی که قبل و بعد از آن نازل شده، نشان می‌دهد که در برابر پافشاری مسیحیان در عقاید باطل خود؛ از جمله ادعای الوهیت حضرت مسیح ﷺ و عدم کارایی منطق و استدلال در برابر لجاجت آنها، پیامبر ﷺ مأمور می‌شود، از طریق مباهله وارد شود و صدق گفتار خود را از این طریق خاص روحانی، به ثبوت برساند؛ یعنی با آنها مباهله کند تا راستگو از دروغگو شناخته شود.<sup>۱۰</sup>

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ؛ ای پیامبر ما! هریک از نصاری و مسیحیان، پس از این همه مباحث مربوط به عیسی‌بن مریم ﷺ، و استدلال‌های متفن و متین پیرامون شئون مختلف آن‌حضرت، اگر همچنان به لجاجت خود ادامه دادند و عناد و لجاج بسان حجاب و پرده، مانع راهیابی آنها به سوی حق و حقیقت شد، راه دیگری در ادامه دعوت آنها به سوی حق انتخاب کن و با آنها مباهله کن.<sup>۱۱</sup> ﴿فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ﴾. در این قسمت از آیه، افرادی که باید در مراسم مباهله شرکت کنند، مشخص می‌شود.

پیامبر ما! به آنها بگو که از سوی هریک از طرفین مباهله، باید چهار گروه در

مباهله از واجبات رکنی ولایت است؛ نه رسانه‌ها از آن سخنی می‌گویند، نه ما در حوزه به آن می‌پردازیم؛ اما به واجبات غیررکنی خیلی دامن می‌زنیم؛ آنها هم واجب است؛ اما مثل اجزای نماز است؛ لکن حمد و سوره کجا، رکوع و سجود کجا؟! حمد و سوره، واجب غیررکنی است؛ اما رکوع و سجود، واجب رکنی است. در واقعه مباهله، خدای سبحان علی ؑ را به‌عنوان جان پیامبر خود ﷺ معرفی کرد. آیا بالاتر از این فضیلتی هست.

# تأملی در حقیقت مباهله

#### آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی

واقعه «مباهله» را باید به‌عنوان معجزه پیامبر اکرم ﷺ در برابر انحرافات و ادعاهای مسیحیان نجران، به‌عنوان سند آشکار و بی‌بدیل از حقانیت کامل دین اسلام و رسالت پیامبر اکرم ﷺ بر دیگر ادیان الهی دانست؛ معجزه‌ای شگرف که برای اثبات حقانیت اسلام بر دیگر ادیان توحیدی می‌تواند مورد اجماع همه اندیشمندان ادیان الهی قرار گیرد. از این‌رو واکاوی حقیقت این واقعه عظیم به‌ویژه تبیین حقایق، نکات و آموزه‌های بی‌بدیل واقعه مباهله و تبیین حقایق آیه معروف مباهله با بهره‌گیری از اندیشه‌های والای مفسر‌قرآن‌آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی، تشنگان و رهپویان مکتب اهل بیت ؑ را بیش از پیش به شناخت چیستی حقیقت واقعه مباهله رهنمون خواهد ساخت.

این مراسم شرکت کنند:

- رئیس مسلمانان، یعنی پیامبر اکرم ﷺ و رئیس مسیحیان نجران؛
- فرزندان مان و فرزندان شما؛
- زنان ما و زنان شما؛
- نفوس ما و نفوس شما.

﴿ثُمَّ يَنْتَهِلُ فَتَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾؛ سپس از طرفین جهت مراسم مباهله حاضر شدند. مباهله به این شکل انجام می‌شود که هرکس دروغ بگوید و در ادعای خود کاذب باشد، لعنت و عذاب الهی گریبان‌گیر او شود تا بدین وسیله حقیقت برای مردم روشن شود.<sup>۱۳</sup>

«اینانا»، «نساننا» و «انفسنا» کیانند؟ منظور از «أبنائنا» در آیه شریفه امام حسن و امام حسین ؑ و منظور از «نِسَاءَنَا» که جمع است، فاطمه زهراء ؑ و منظور از «أَنْفُسَنَا» که آن هم جمع است، علی‌بن ابی طالب ؑ است.<sup>۱۴</sup> بنابراین در این آیه شریفه نیز صیغه جمع، یعنی «نساننا» و «انفسنا»، در مفرد، یعنی «فاطمه» و «علی» به‌کار رفته است.<sup>۱۵</sup>

در اینکه منظور از «نساننا»، تنها دختر پیامبر اکرم ﷺ حضرت فاطمه زهراؑ است، ظاهراً هیچ اختلافی بین ما و برادران سنی وجود ندارد؛

همان‌گونه که علمای شیعه و اهل سنت بالاتفاق «اینانا» را به حسن و حسین ؑ و منظور از «أَنْفُسَنَا» که در این نکته که امام حسن و امام حسین ؑ، مشمول ایناننا هستند، اختلاف نظری ندارند. بنابراین محور اصلی و مرکزی بحث پیرامون تفسیر«انفسنا» می‌باشد.<sup>۱۶</sup>

مرحوم قاضی نورالله شوشتری، در کتاب ارزشمندش، احقاق‌الحق، می‌فرماید: «اجمع المفترضون علی ان اجمع المفترضون علی ان... «انفسنا» اشاره الی علی ؑ»؛ «مفسران قرآن مجید (از شیعه و اهل سنت) اجماع و اتفاق نظر دارند که منظور از «انفسنا» علی ؑ می‌باشد.<sup>۱۷</sup>

هم چنین آیه‌الله‌العظمی مرعشی ؒ از حدود شصت کتاب (از کتب اهل سنت) مطلب فوق را نقل می‌کند.<sup>۱۸</sup> معنای این سخن آن است که مطلب به‌قدری واضح و روشن است که در تمام کتب اهل سنت نیز منعکس شده است.

از این‌رو آیه مباهله، علی ؑ را به‌منزله نفس نفیس و جان پاک پیغمبر و فاطمه زهرا ؑ و فرزندان آنها، حسن و حسین، را نزدیکترین افراد به آن‌حضرت و مقرب‌ترین اشخاص نزد خداوند می‌شمرد که دعایشان در پیشگاه او مستجاب است.<sup>۱۹</sup>

#### پاسخ به ادعای آلوسی

آلوسی در روح‌المعانی، پس از اعتراف به اینکه به‌غیر از علی و فاطمه و حسن و حسین ؑ فرد دیگری در داستان مباهله همراه پیامبر ﷺ نبوده است و با تأکید بر اینکه هیچ انسان مؤمنی نباید در این مسأله شک کند، به بیان استدلال علمای شیعه می‌پردازد و مدّعی می‌شود که منظور از «انفسنا» خود پیامبر است و «علی» جزء «اینانا» است؛ زیرا در ادبیت‌ا عرب، به داماد هم پسر گفته می‌شود.<sup>۲۰</sup>

پاسخ این سخن بسیار روشن است؛ زیرا طبق این آیه شریفه، پیامبر از «اینانا» و «انفسنا» و «نساننا» دعوت کرده است. اگر منظور از «انفسنا» خود پیامبر ﷺ باشد، آیا دعوت از خویشان معنی دارد؟ با توجه به اینکه قرآن مجید فصیح‌ترین سخنان است، قطعاً چنین مطلب غیرفصیحی نمی‌گوید و به پیامبر دستور نمی‌دهد که از خویشان دعوت کند. پس قطعاً منظور از «انفسنا»، خود پیامبر ﷺ نیست. علاوه بر این، ما در ادبیت‌ا عرب ندیده‌ایم



# افوجوزة

- سال بیست و دوم
- شماره ۷۵۹
- دوشنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۲
- صفحه ۳۰۰۰ تومان

O fogh-e Hawzah Weekly
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه</div><div>سرپرست: مرکز رسانه و فضای مجازی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه: رضارستمی</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>سرپریدر: رمشاعتلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه</div><div>تلفن: ۰۳۲۹۰۰۵۳۸ • شماره: ۰۳۲۹۰۱۵۲۳ • صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵</div><div>پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir</div><div>امور هنری: سید امیر سجادی</div></div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div>کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵</div></div>

#### عطریار

#### غفلت از یار

علی‌اکبر لطیفیان

غفلت از یار گرفتار شدن هم دارد

از شما دور شدن زار شدن هم دارد

هر که از چشم بیفتناز محلش ندهند

عبد آلوده شدن خار شدن هم دارد

عیب از ماست که هر صبح نمی‌بینیمت

چشم بیمارشده تار شدن هم دارد

همه با درد به دنبال طبیعی هستیم

دوری از کوی تو بیمار شدن هم دارد

ای طبیب همه! انگار دلت با ما نیست

بد شدن حس دل‌آز شدن هم دارد

آنقدر حرف در این سینه ما جمع شده

این همه عقده تلنبار شدن هم دارد

از کریمان، فقرا جود و کرم می‌خواهند

لطف بسپار، طلبکار شدن هم دارد

نکند منتظر مردن مایی آقا؟!

این بدی مانع دیدار شدن هم دارد

ما اسیر غم دنیا هستیم

غفلت از یار گرفتار شدن هم دارد

پیامبر ﷺ است؛ در شجاعت و رشادت و شهامت و تقوا و ایثار و خلاصه تمام کمالات و مقامات مانند پیامبر اسلام ﷺ است. نتیجه اینکه علی ؑ در مقامات و کمالات نازل به‌منزله پیامبر ﷺ و تالی‌تلاوست.<sup>۳۱</sup>

با توجه به این مطلب اگر قرار باشد، پس از پیامبر ﷺ خلیفه و جانشینی برای آن‌حضرت، از سوی خداوند انتصاب شود، یا اُمت اسلاهی کسی را برای این منظور انتخاب کنند، آیا نباید شخصی را انتخاب کنند که هم‌تراز پیامبر ﷺ، یا در مرحله بعد از آن‌حضرت باشد؟

آیا نباید شخصی منتخب مردم یا منصوب الهی باشد که در فضائل و کمالات، مخصوصاً تقوا و عصمت، همچون پیامبر اسلام ﷺ باشد؟ و اگر با وجود چنین شخصی، اشخاص دیگری انتخاب شوند، آیا عقل چنین کاری را قبیح و زشت نمی‌شمرد؟ بنابراین، از انطباق جمله «انفسنا» به شخص «علی‌بن ابی‌طالب ؑ»، می‌توان پلی به سوی ولایت و امامت زد و بدین‌وسیله ولایت را ثابت کرد.<sup>۳۲</sup>

#### • واقعه مباهله؛ تبلور مقام و منزلت رفیع اهل‌بیت ؑ

آیه مباهله سند روشنی برای مقام والای اهل‌بیت پیامبر ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین ؑ است؛ زیرا در آیه سه کلمه وجود دارد: «أَنْفُسَنَا»، «نساننا» و«أبنائنا»، بدون شک منظور از «ایناننا»، امام حسن و امام حسین ؑ بوده است و در این هیچ اختلافی نیست و «نساننا» را کسی جز فاطمه زهرا ؑ تطبیق نمی‌شود و اما «انفسنا»، به‌یقین اشاره به شخص پیامبر ﷺ نیست؛<sup>۳۳</sup> زیرا آیه می‌گوید: «نَدْعُ ... وَأَنْفُسَنَا؛ «دعوت کنیم از نفوس خویش»؛ اگر منظور، پیامبر ﷺ باشد، دعوت کردن انسان از خویشان مفهومی ندارد؛ بنابراین راهی باقی نمی‌ماند؛ جز اینکه بگوییم: منظور تنها علی ؑ است.<sup>۳۴</sup>

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی

#### • پی‌نوشت‌ها

۱. اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۲۲۶؛

۲. پیام قرآن، ج ۹، ص ۲۲۹؛

۳. آیات ولایت در قرآن، ص ۲۳؛

۴. آیات ولایت در قرآن، ص ۲۴؛

۵. سوره آل عمران، آیه ۶۱؛

۶. پیام قرآن، ج ۹، ص ۲۲۷؛

۷. همان؛

۸. پیام قرآن، ج ۹، ص ۲۲۸؛

۹. همان؛

۱۰. سوره آل عمران، آیه ۶۱؛

۱۱. پیام قرآن، ج ۹، ص ۲۳۰؛

۱۲. آیات ولایت در قرآن، ص ۲۴؛

۱۳. آیات ولایت در قرآن، ص ۲۴۳؛

۱۴. الکشف، جلد ۱، ص ۳۶۸؛

۱۵. آیات ولایت در قرآن، ص ۹۶؛

۱۶. آیات ولایت در قرآن، ص ۲۷؛

۱۷. همان؛

۱۸. همان؛

۱۹. احقاق‌الحق، جلد ۳، صفحه ۴۶؛

۲۰. پیام امام امیرالمؤمنین ؑ، ج ۱، ص ۳۱۱؛

۲۱. سوره آل عمران، آیه ۶۱؛

۲۲. پیام امام امیرالمؤمنین ؑ، ج ۱، ص ۳۱۲؛

۲۳. روح المعانی، جلد ۳، صفحه ۱۸۹؛

۲۴. آیات ولایت در قرآن، ص ۲۸؛

۲۵. اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۲۲۶؛

۲۶. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۸۱؛

۲۷. پیام قرآن، ج ۸، ص ۳۹۹؛

۲۸. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۶۶؛

۲۹. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۶۶؛

۳۰. پیام قرآن، ج ۸، ص ۳۹۹؛

۳۱. آیات ولایت در قرآن، ص ۲۴۹؛

۳۲. آیات ولایت در قرآن، ص ۲۸۹؛

۳۳. آیات ولایت در قرآن، ص ۲۱۰؛

۳۴. پیام قرآن، ج ۹، ص ۲۲۸؛